

مولانا بودن یا تخم گذاشتن



رضا اصصال پور
نویسنده شاعر و طنزپرداز

سعید انگشتش را از گوشش درآورد، مالید گوشه صندلی و گفت «همه این ها به کنار، من نمی دونم چرا دست می زنی، د کتر که نگاهش به لکه روی صندلی که حالا قطرش بزرگ تر شده بود مانده بود. گفت «به چی دست می زنی؟ به شما؟» سعید شروع کرد به دست زدن و گفت «دست! دست! تشویق منظومه، د کتر هر چه منظر ماند

که دست زدن های سعید تمام شود تا حرفش را بزند، فایده ای نداشت. بالاخره بین صدای دست زدن های محکم سعید، بلندگفت، کجاست دست می زنی؟ کی؟» سعید دست هایش را در هم بست و گفت «توی کنسرت دیگه، کی با این آهنگ غمگین دست می زنه آخه؟» بعد هم با دوسه تا سرفه و آه و آهون به خیال خودش صدایش را صاف کرد و بلند خواند «مرغ سحر! ناله سرکن...» و هم زمان با همان ریتم دوباره دست زد! منشی بی اجازه وارد اتاق شد تا ببیند چه خبر است.

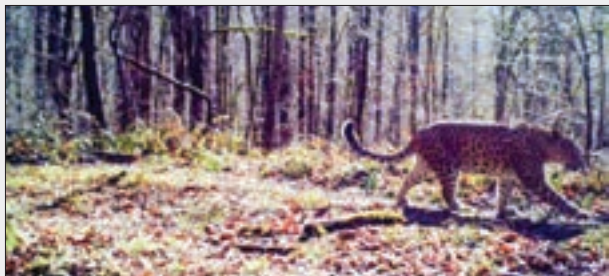
دکتر با گوشه چشم و چند تاسر بالا انداختن به او فهماند که چیزی نیست و برو بیرون. سعید با چشم بسته می خواند، داغ مرا تازه تر کن...، د کتر که مطمئن بود سعید خیال ندارد متوقف شود، تا آخر تصنیف سکوت کرد. سعید به بیشتر کن بیشتر کن، که رسید، شش هفت باری آن را تکرار کرد و بعد چشم هایش را باز کرد و زل زده د کتر و گفت «تشویق نداشت؟» د کتر گفت «یعنی بزیم؟» سعید گفت «این جاش طوری نیست، آخر شه دیگه دست زدن های د کتر که تمام شد، سعید آهی کشید و گفت «مرغ سحر بودن خیلی سخته د کتر! کاش لااقل به مرغ دیگه بوم، از این

مرغ ها که تخم می ذارن! البته اون ها هم مشکلات خودشون رو دارند. فکر کن با هزار مصیبت تخم بذاری و بعد تخم ها ت رو بخورند، بعد از چند ثانیه مکث، ادامه داد «لم می خواست مولانا بوم، د کتر گفت «آهان! یعنی دوست داشتی به جای مرغ بودن، شاعر باشی؟» سعید گفت «نه! به جای مرغ سحر بودن، مرغ باغ ملکوت بوم، د کتر گفت «آهان، سعید بالا فاصله گفت «نه! اونم بده، تبعید به خاک هستی و تازه چند روزی قفسی ساخته باشن از بدنت» د کتر گفت «به نظرت من چطوری می تونم کمک کنم؟» سعید گفت «الان که فقر می کنم می بینم کار به که شده، به هر حال هر کی به طوری خلق شده، یکی مثل مرغ سحره، به بد بختی هم مشاور! به کاری کن با مرغ سحر بودن و سختی هاش کنار بیام، د کتر گفت «اینکه خودت با دوتا مثال به این نتیجه رسیدی که هر مرغی هم باشی باز مشکلات خودت روداری، خوبه، الان مسئله فقط دست زنه؟» سعید گفت «شما به شعر دقت نکردی؟ از من می خواهند که داغشون رو تازه تر هم بکنم و به سری خواسته های دیگه! مگه من سادسیم، دارم؟» د کتر گفت «الان که وقتمون تمومه، جلسه بعدی بیشتر راجع بهش حرف می زنیم» سعید گفت «با زاگه کل شعرو هم حفظ بوند به چیزی، نصف شعرو فقط با دهن آهنگش رومی زنی، د کتر نیم خیز شد و گفت «حالان شاء... جلسه بعدی» سعید گفت «آهان! نوبت اون گریهه است؟ توی اتاق انتظار که بوم خیلی بد نگاهم می کرد. بهش بگید از فکر خوردن من بیاد بیرون.»

Instagram



حامد تیزرویان



طبیعت مظلوم

بعضی پروژه ها مصداق دقیقی برای ضرب المثل معروف «لقمه را دور سر چرخاندن» هستند. فعالان حوزه محیط زیست از جمله حامد تیزرویان به تازگی از پروژه های خبر داده اند که با اصرار فرماندار نوشهروا می مخالفت سازمان محیط زیست رویه روست و تنها برکت اجرایی آن ورود بدون حساب کتاب انسان با ماشین و دیگر امکانات که هر کدامشان برای محیط زیست آن منطقه همچون خنجر می به پهلوس است رابه همراه خواهد داشت. فرماندار نوشهر در قسمت الیز مرکزی در حال پیگیری طرحی است تا زمینه آسفالت جاده جنگلی «ماشلک» به «ویسر» را اجرایی کند و هدف خود را از انجام این کار ایجاد دسترسی راحت تر برای اهالی بیان کرده است. ظاهرا با آسفالت این راه تنها ۵ کیلومتر در مقایسه با مسیر فعلی رسیدن به مقصد نزدیک تر می شود. اما مضرات این خیابان کشی آن قدری است که با استناد به آن ها بتوان جلو این کار را گرفت. نابودی درختان، تهدید زندگی طبیعی حیات وحش جنگل، از بین رفتن بهترین زیستگاه «مرال» و «شوکا» تنها بخشی از آسیب هایی است که با اجرایی شدن این پروژه به طبیعت و حیات وحش وارد خواهد شد. حالا شما فکرش را بکنید، مسیری که سال ها قبل برای بردن چوب از جنگل ایجاد شده آسفالت شود و مردم با ماشین های جورواجور خود برای گذراندن تعطیلات به دل جنگلی بپیایند که زینتش نسبت به زیست انسانی حتی برای کوتاه مدت در تناقض است، آنگاه چه خواهد شد؟ نه اینکه کشور از نظر حفظ و مراقبت از جنگل ها مراجع در وضعیت خوبی به سر می برد که حالا هم خودمان دستی دستی کاری کنیم که در سال های بعد که جنگل ویران شد وحیات وحش آسیب دید و دود این اقدام به چشم خودمان رفت آن وقت به چه کتم چه کتم بیفتیم. ظاهرا پیگیری های آقای فرماندار از ممنوعیت سازمان محیط زیست هم بیشتر است و خطر در کمین بخشی از جنگل های الیز مرکزی نشسته است.



چمدان

سفر به سرزمین کوه و آبشار



اخلمدیکی از معروف ترین و محبوب ترین جاذبه های گردشگری طبیعی اطراف مشهد است. برای آخر هفته سفر به این منطقه زبای گردشگری را به شما پیشنهاد می کنیم. برای سفر به اخلمد باید به سمت شمال غربی مشهد برانید، با گذر از شهرستان چناران تا پلوهای اخلمد رادر میان سلسله کوه های بینا لود دنبال کنید. پس از عبور از بند تاریخی اخلمد، به روستایی سرسبز که هدف گردشگری است، می رسید. اخلمد علاوه بر پنج آبشار دائمی و ۱۰ آبشار فصلی دارای کوه های بسیار زیبایی است جنس کوه های اخلمد

فاصله مشهد تا اخلمد	۸۰ کیلومتر
تعداد آبشارهای دائمی	۵ آبشار
تعداد آبشارهای فصلی	۱۰ آبشار
مسافت روستا تا آبشار اول	۲۵۰۰ متر
فاصله آبشار دوم تا آبشار سوم	۱۵۰۰ متر
فاصله آبشار سوم تا چهارم	۱۵۰۰ متر
ارتفاع بلندترین آبشار	۴۰ متر (آبشار دوم)
عمده محصولات: سیب، گیلان، گردو و عسل	



ميثاق نامه اخلاق حرفه اي

۱۷٪	رطوبت هوا
۳۹°	↓ ۲۳°
۳۷°	ظهر
۳۲°	عصر
۳۵°	شب

- اذان ظهر: ۱۳:۵۹ نیمه شب شرعی: ۲۳:۴۶:۵۹
- غروب آفتاب: ۱۹:۴۶:۰۱ اذان صبح فردا: ۰۳:۴۹:۰۲
- اذان مغرب: ۲۰:۰۶:۳۴ طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۳۰:۴۱

روایت

از شخص

روایتی از زندگی مرحوم آیت ا... شیخ مجتبی قزوینی به بهانه پنجاه و پنجمین سالگرد درگذشتش

مشعل فروزنده علم و معرفت

امید حسینی نژاد روزهای سال ۴۰ سپری می شد فروردین همان سال زعمیم بزرگ شیعه، مرحوم آیت ا... بروجردی به رحمت ایزدی پیوست. فعالان دینی برآن شدند تا جانشینی برای مرجعیت پس از ایشان به مردم معرفی کنند. حاج حیدر که در آن زمان جوانی پرشور بود در مشهد مشورت هایی با برخی از اهل فضل درباره این مسئله کرده بود. شبی یکی از دوستان نزدیکش به او گفت: فلانی! شما چرا از نفوذ خود، پس از وفات آقای بروجردی، برای حاج آقا روح... تبلیغ نمی کنی؟ او نیز در پاسخ گفت: حاج آقا روح...! وارد این گونه امور نمی شوندد و ادعای مرجعیت هم ندارند، رساله ای هم منتشر نکرده اند! آن دوست در پاسخ به او گفت: دقیقاً به همین دلیل باید برای آقای خمینی تبلیغ کنیم چون خود ایشان که اقدامی نمی کنند.

این تلنگر سبب شد تا حاج حیدر جوان، از استاد خود شیخ مجتبی قزوینی درباره مرجعیت امام (ع) سؤال کند. فردای آن روز در درس استاد حاضر شد. گفت و گوی دیشب را با شیخ مجتبی در میان گذاشت و گفت: نظرتان درباره مرجعیت آقای خمینی چیست؟ ایشان پس از سکوتی کوتاه و بدون توضیح فرمودند: خیر! این ماجرا بین او و حاج شیخ گذشت. سحرگاه فردا در منزل حاج حیدر به صدا درآمد. متحیر شد. یعنی چه کسی این موقع با او کار داشت. در منزل را باز کرد و متوجه حضور شیخ اسماعیل فردوسی پور از همراهان نزدیک استادش شیخ مجتبی قزوینی شد. باحالتی مضطرب از او پرسید: چه شده است؟ او نیز در پاسخ گفت: دو ساعت است که حاج شیخ مکرر می گویند بگویند حیدر آقا بیاید! به سرعت به سمت منزل استاد روانه شد. هنگامی که وارد منزل شد استادش را در حال عبادت و ذکر مشاهده کرد.

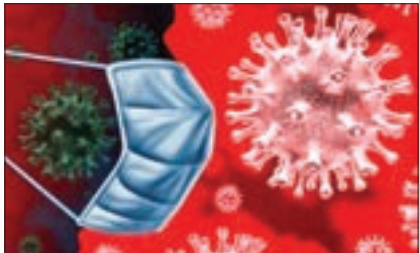
شیخ مجتبی روبه او کرد و گفت: الحمد لله که نمردم و شمارا دیدم تا نکته مهمی را بگویم. آیا آن روز که من درباره مرجعیت آقای خمینی، پاسخ منفی دادم، از قول بنده به دیگران منتقل کرده اید؟ حاج حیدر پاسخ داد: خیر. در ادامه گفت: خدا را شکر، به همه دوستان از قول بنده بگویند که امروز در همه جهان اسلام، مرجع و رهبر فقط آقای خمینی هستند.

این روایت بخشی از خاطرات مرحوم حاج حیدر رحیم پور ازغدی درباره استاد و مراد خود مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی است. حاج حیدر در تمامی سال های عمرش پای

روایت

روز

موج طغیانگر کرونا در راه



صحی زردکانلو

با هر به روز رسانی صفحه اینستاگرام یک خبر کرونایی چشم‌ان‌م را می زند. خبر آمده است: از ۱۷ تا ۲۶ تیر به طور متوسط هر ساعت ۱۴۱ نفر در ایران مبتلا شده اند که نسبت به ۱۰ روز قبل میزان ابتلا حدوداً سه برابر شده است. جست وجویم را ادامه می دهیم: از ۲۶ خرداد که ۱۴۶ نفر مبتلا به کرونا شده اند تا روز یکشنبه ۲۶ تیر افراد مبتلا به ۵ هزار و ۷۵۱ نفر رسیده اند. ای داد! در مشهد چه خبر است؟ تا روز گذشته تست های مثبت سرپایی در مشهد به ۷۰۷ نفر رسیده است و در ۱۰ روز اخیر روند مراجعه بیماران روزانه ۳۰ برابر و میزان بستری بیماران کرونایی ۱۰ برابر شده است! استوری یکی از دوستان پزشک‌م را باز می کنم از فوت یازده بیمار کرونایی در پنج روز اخیر در مشهد خبر داده است. همکارم که رویه رویم نشسته عطسه می کند، فلز ماسکم را روی بینی ام سفت تر می کنم و از نوشیدن جای صرف نظر. ساعت هفت و نیم شب است. اینکه با دوستانم قرار گذاشته ایم برویم سینما. یک لحظه سالن نمایش به تونل وحشت شباهت پیدا می کند. سینما رفتن در این اوضاع دیگر چه کاری بود؟ انگار آرام آرام داریم برمی گردیم به روزهایی که دوست نداشتیم، چقدر زود خبرهای خوش روزهای بدون فوتی کرونا سرآمد! موبایلم را برمی دارم و با شرح مواقع و یادآوری اینکه در سینما خبری از فاصله گذاری نیست، مردم ماسک هایشان را برای خوردن خوراکی

مناجات و

حکایات

یکی را از دوستان گفتم: امتناع سخن گفتنم به علت آن اختیار آمده است در غالب اوقات که در سخن نیک و بد اتفاق افتد و دیده دشمنان جز بر بدی نمی آید. گفت: دشمن آن به که نیکی نبیند. و آخوالعداوة لا یثمر یصلح إلا وتلیمة ذکاب اشر

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: شهرداری مشهد
- مدیر عامل: سید میثم موسوی مهر
- سردبیر: سید مسجاد طلوع هاشمی
- نشانی: میدان شهید نبیش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۱۱
- نمایان: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۴۳۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۷۸۹



فرستادن برای اهل قلم در نوروز

کارتون شهر



علیرضا باکل

رئیس اتحادیه خدمات تلفن همراه و تجهیزات مخابراتی مشهد: عدم تخصیص ارز به واردات تلفن همراه تبعات نامطلوبی دارد

شوخی

بی شوخی

از ماکارونی تا ماشین



مهدی محمدی رئیس پلیس راهور در واکنش به اخذ مجوز ساخت خودرو از سوی یک کارخانه تولید ماکارونی، گفت: هر خودرویی ساخته شود باید ایمنی و کیفیت لازم را داشته باشد. پیش بینی می کنیم اگر کارخانجات مختلف بزنند توی کار تولید خودرو، آینده صنعت خودرو این گونه رقم خواهد خورد.

کارخانه ماکارونی: ابتدا قیمت خودروهای تولیدی این کارخانه مناسب است اما یک روز وقتی بیدار می شویم می بینیم قیمت هر خودرو ساخت این کارخانه یک بار سه برابر شده است. مثل همان اتفاقی که در مورد ماکارونی افتاد.

کارخانه چیپس: خودروهای تولیدی این کارخانه در هر چیزی ضعف داشته باشند در عوض با توجه به تجربه و تخصص زیاد این کارخانجات، خودروهایی می سازند که بهترین ایرگ ها را داشته باشد.

کارخانه نوشابه سازی: با توجه به اهمیتی که کارخانجات نوشابه به وجوگاز در محصولات خود می دهند، خودروهایی می سازند که به جای پدال گاز و ترمز و کلاچ کلاً فقط سه تا پدال گاز داشته باشد.

کارخانجات لبنیات: احتمالاً این شرکت ها به سبک «شیر توشیر» خود و بسازند.

کارخانجات تولید ماشین لباس شویی: تولید کنندگان ماشین لباس شویی همان طور که از اسمش معلوم است همین الان هم توی کار تولید ماشین هستند، آن هم ماشین هایی

جورواجور

۲۰۰ سال عمر فقط بایک دارو

دارو که «سنولیتیک» (senolytics) نام دارد، اکنون نتایج امیدوارکننده ای را نشان می دهد و این دارو می تواند در دهه های آینده در بازار و در دسترس قرار گیرد. به گفته او، هیچ دلیل فیزیکی یا بیولوژیکی خاصی وجود ندارد که مانع از افزایش طول عمر به ۲۰۰ سال شود.

دکتر اندرو استیل، زیست شناس محاسباتی بریتانیایی، کتاب جدیدی در مورد طول عمر انسان منتشر کرده و براین باور است که زندگی کردن بیش از یک قرن با کمک نوع خاصی از دارو برای نسل بشر امکان پذیر است. در این کتاب، گفته شده که تحقیقات در زمینه این

هنر به چشم عداوت بزرگ تر عیب است گل است سعدی و در چشم دشمنان خار است نور گیتی فروز چشمه هور زشت باشد به چشم موشک کور گلستان سعدی، باب چهارم در فوائد خاموشی، حکایت شماره یک